

سرشناسه : عظیمی گرکانی، هادی

عنوان و نام پدیدآور : مشارکت در قتل/ هادی عظیمی گرکانی، سولماز احمدزاده .

مشخصات نشر : تهران: صبا، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص.

شابک 978-964-6448-38-4 : ۷۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه : ص ۱۰۵ - ۱۱۲ .

موضوع : قتل (فقه)

موضوع : قصاص (فقه)

شناسه افزوده : احمدزاده، سولماز، ۱۳۶۰

رده بندی کنگره : ۱۹۵/۳BP:ع ۵م ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۵

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۹۶۲۵۴

شناسنامه

نام کتاب : مشارکت در قتل

مؤلف : دکتر هادی عظیمی گرکانی و سولماز احمدزاده

نوبت چاپ : اول پاییز ۹۱

تیراژ : ۳۰۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۴۴۸-۳۸-۴

قیمت : ۷۰۰۰۰ ریال

ناشر : انتشارات صبا

ناصر خسرو - کوچه حاج نایب - ۳۳۹۲۴۵۶۰

فصل اول : کلیات

۷	 مقدمه
۱۰	 تاریخچه
	 واژه شناسی
	 مبحث اول : آشنایی با مکتب امامیه و حنفیه
۱۵	 ۱-۱ مکتب امامیه
۱۶	 ۱-۱ مکتب حنفیه
	 مبحث دوم : تعریف مشارکت
۱۸	 ۲-۱ تعریف لغوی
۱۹	 ۲-۱ تعریف اصطلاحی
	 مبحث سوم : تعریف قتل و حرمت آن
۲۰	 ۳-۱ تعریف لغوی
۲۱	 ۳-۱ تعریف اصطلاحی
۲۲	 ۳-۱ نکوهش قتل نفس در اسلام
	 مبحث چهارم : تعریف انواع قتل
۲۵	 ۳-۱ : انواع قتل از نظر فقهای امامیه
	 الف - قتل عمد
۲۷	 تعریف قتل عمد از دیدگاه فقهای امامیه
۲۸	 تعریف قتل عمد از دیدگاه فقهای حنفیه
	 ارکان آن :
۳۰	 ۱- رکن قانونی

۳۱	۲- رکن مادی
۳۲	الف - فعل مثبت مادی
۳۳	ب- ترک فعل
۳۴	۳- رکن معنوی
۳۵	۴- صور مختلف وقوع قتل عمد
	ب- قتل شبه عمد
۴۱	۴- تعریف قتل شبه عمد از دیدگاه فقهای امامیه
۴۲	۴- تعریف قتل شبه عمد از دیدگاه فقهای حنفیه
	۴- ارکان آن :
۴۳	۱- رکن مادی
۴۴	۲- رکن معنوی
	ج- قتل خطای محض
۴۵	۴- تعریف قتل خطای محض از دیدگاه فقهای امامیه
۴۶	۴- تعریف قتل خطای محض از دیدگاه فقهای حنفیه
	۴- ارکان آن :
۴۷	۱- رکن مادی
	۲- رکن معنوی
۴۷	د- قتل جاری مجری محض
۴۸	ه- قتل بالتسبیب

فصل دوم : شرکت در قتل و اجزاء آن

بخش اول : تعریف شرکت در قتل و اجزاء آن

مبحث اول : تعریف شرکت در قتل

۴۹	۴- تعریف شرکت در جرم از دیدگاه حقوقدانان و فقها
----	---

مبحث دوم : شرایط تحقق شرکت در قتل

- الف - مشارکت دو یا چند نفر در وارد کردن صدمات بدنی منجر به مرگ مجنی علیه ۵۵
- ب- مشخص نبودن مباشر و فاعل اصلی قتل ۵۵
- نکته ۵۶
- ج- علم اطلاع شرکاء از قصد مجرمانه همدیگر ۵۷
- نکته اول ۵۸
- نکته دوم ۵۹

بخش دوم : نحوه شرکت در قتل عمد از نظر ارکان آن

مبحث اول : نحوه شرکت در قتل عمد از نظر رکن مادی

- ۱-۲-۲ مشارکت در عمل واحد ۶۳
- ۱-۲-۲ مشارکت در عمل متعدد ۶۳
- ۱-۲-۲ مشارکت در انجام فعل متعدد که هر یک به تنهایی برای قتل کافی است ۶۴
- نکته ۶۴
- ۱-۲-۲ مشارکت در صدمات بدنی در زانهای متوالی ۶۵
- ۱-۲-۲ " " " " متتابع ۶۶
- نکته ۶۶

مبحث دوم : انواع شرکت از نظر رکن معنوی

- ۲-۲-۲ مشارکت عامدین ۶۸
- ۲-۲-۲ مشارکت عمد و شبه عمد ۶۸
- ۲-۲-۲ مشارکت عمد و خطایی محض ۶۹
- ۲-۲-۲ مشارکت عمد و شبه عمد و خطایی محض ۷۰

فصل سوم : در بیان احکام قصاص شرکاء

بخش اول : در بیان احکام مشارکت در قتل

۷۱	 مقدمه
	کتاب در وصف مداخله کنندگان :
۷۴	 ۳-۱ مشارکت دو زن در قتل مردی
۷۴	 ۳-۱ مشارکت دو مرد در قتل زنی
۷۷	 ۳-۱ مشارکت مرد و زن در قتل مردی
۷۷	 ۳-۱ مشارکت حرومید در قتل مردی یا حره و عبدی در قتل مردی
۷۸	 ۳-۱ مشارکت مردی با خنثی در قتل مردی
۷۸	 ۳-۱ مشارکت مردی با خنثی در قتل زنی
	بخش دوم : در بیان انواع حکم قصاص در بعضی از شرکاء عمد
۷۹	 مقدمه
۷۹	 ۳-۲ مشارکت پدر در قتل فرزند
۸۲	 ۳-۲ مشارکت کودک و دیوانه
۸۳	 ۳-۲ مشارکت مسلمان در قتل کافر
	فصل چهارم : ادله قصاص شرکاء در قتل عمد
۸۵	 مقدمه
۸۷	 مبحث اول : آیات
۹۳	 مبحث دوم : روایات
۱۰۱	 مبحث سوم : عقل
۱۰۲	 مبحث چهارم : اجماع
۱۰۳	 نتیجه گیری
۱۰۵	 منابع و مأخذ

مقدمه :

امنیت بسیاری در جامعه یکی از اهداف اصلی و اساسی قانونگذار است . هدف از وضع مجازاتها ، تنها اعمال قانون علیه بزهکاران و مجرمان و تبهکاران نیست بلکه بهداشت حقوقی و پیشگیری از جرم و جنایت ، در بر لوحه آن قرار دارد . جریحه دار شدن احساسات و عواطف عمومی ، عقوبتی است که بی نظمی و هرج و مرج را به دنبال دارد و در چنین فضایی ، نظم و انضباط به هم می خورد .

تاریخ بشر سرشار از دلنگرانی های قابل درکی است که در قبال تخطی و تجاوز علیه جان و نفوس افراد ، ابراز شده است . مستندات تاریخی نشانگر آن است که مردم از نخستین ادوار زندگی جمعی با پدیده قتل های دسته جمعی درگیر بوده و در جهت حفظ منافع فردی و گروهی در برابر بزهکاران و متجاوزان به نفوس ، واکنش های متنوعی را ابراز داشته است .

سنگ نوشته ها و آثار تاریخی به جای مانده از پیشینیان ، بیانگر تعیین مجازات برای بر هم زندگان آرامش و امنیت جامعه هستند و تلویحاً نشانگر وضع مقررات برای حفظ نفوس و ارزش های متکی به آن می باشند . در جوامع بدوی معیار تمیز رفتار بزهکارانه و سقیم از اعمال صحیح و مستقیم ، آداب و رسوم و عرفیات حاکم به گروهها و قبایل بود که به تدریج این ضوابط به صورت مقررات و قواعد ویژه یی در آمد .

در پاره یی موارد ، این قواعد به صورت قانون در آمد و در مواردی دیگر ، تحت تأثیر سلطه های سیاسی و نفوذ قدرتهای حاکم ، توجیهی در تثبیت پایه های حکومت آنها بود و ممکن بود که در نصوص معینی شکل قانونی به خود گرفت . البته بدیهی است که صبغه های مذهبی در اینگونه مقررات و قواعد ، تأثیر گذار بود و مضافاً بر اعطای امتیاز مذهبی به اینگونه قواعد ، موجبات

افزایش تضمین های آنها را فراهم می نمود .

در پاره یی از جوامع مسیحی ، در قتل عمد قصاص را منتفی دانسته و قاتل را به حبس ابد محکوم می کنند و بر این باورند که خون را نباید با خون شست و اگر قاتل سوء نیت مجرمانه دارد و عمد و تقصیری از او سرزده است ، قانونگذار نباید اشتباه او را تکرار کند و با قصاص ، جان قاتل را بگیرد زیرا ممکن است این عکس العمل ، باعث گستاخی و تجری اولیای قاتل شود و یا بی نظمی و جرم شکنی را در جامعه رواج دهد و یا آنکه حوادث تلخ جامعه را در تصویر سازی در اذهان و اندیشه ها ، شفاف سازی نماید .

حقیقت این است که اسلام بر قصاص توصیه کرده و آن را قتل نمی داند بلکه معتقد است که حیات جامعه وابسته به آن است زیرا چنانچه در قتل عمد ، قاتل به مجازات نرسد امکان قتل های بعدی نیز وجود دارد و هم چنین انجام صحته اعدام قاتل و در پاره ای موارد ، در ملأ عام ، موجب می شود که قاتل های بعدی متولد نشوند و از ارتکاب چنین بزه‌ی صرف نظر کنند .

در جوامع امروزی که تعاملات و روابط اجتماعی پیچیده تر شده ، افرادی هستند که حیات خود را وابسته به ارتکاب جرم می دانند که نوع و نحوه ارتکاب متفاوت است ممکن است به صورت مباشر ، معاون و شریک جرم باشد . مباشر کسی است که خود متصدی تمام عملیات اجرایی جرم است ولی در جوامع متمدن ، نوعاً جرم ها به صورت دسته جمعی محقق می گردد تا به آسانی ، به نیت پلید خود برسند و با استشاره جمعی ، راههای مناسب تری برای گریز از چنگ قانون بیابند و مجازات نیز میان آنها تقسیم شود و از تخفیف آن ، بهره مند گردند .

در مشارکت ، شخص به طور مستقیم در عملیات جرم شرکت می کند و با آگاهی و اختیار مرتکب بزه می شود ولی در معاونت ، شخص به صورت غیر مستقیم با مجرم همکاری می کند و دخالت او در تحقق بزه ، بدون واسطه نیست . رساله حاضر که متضمن تحقیقی جامع و فراگیر پیرامون مشارکت در قتل در کتاب قصاص فصل سوم قانون مجازات اسلامی از ماده ۲۱۲ تا ۲۱۸ می باشد ، به بررسی مشارکت در قتل و احکام آن می پردازد ضمن آنکه نگاهی به مذاهب اربعه اهل سنت به ویژه مذهب حنفیه دارد که برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم احمدزاده به

راهنمایی اینجانب می باشد که با نمره عالی موفق به دفاع از این عنوان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج شدند .

ناگفته نماند با وجود تلاش و کوششی که در این راه به عمل آمده ، معلوم نیست نگارنده از عهده این مهم بر آمده باشد که نوشتار حاضر نمی تواند عادی از عیب و نقص باشد . لذا در انتظار توصیه ها و تذکرات سودمند و به موقع صاحب نظران و علاقمندان بوده و پیشاپیش سعی و توجه آنان را در این راه اوج و سپاس می نهیم . امیدواریم این تلاش ناچیز موجب برانگیختن اندیشه صاحب نظران ، جهت طرح مسائل دقیق تری در زمینه مباحث و مسایل حقوقی گردد .

هادی عظیمی

مرداد ماه نود و یک

Garekani1339@yahoo. Com

تاریخچه:

تجاوز به جان انسانها، از قبیح ترین اعمالی است که از ابتدای خلقت انسان تا به حال، زشتی و قباحیت خود را حفظ و احساسات همه افراد بشر را جریحه دار می کند. کسی که دست به خون انسان بی گناهی می آلود درحقیقت چنین آمادگی را دارد که انسانهای بیگناه را به قتل برساند او در حقیقت یک قاتل است و طعمه او انسان بی گناه است پس از همان ابتدا آفرینش لازم بود تا با وضع مقرراتی از قتل و خونریزی جلوگیری کرده و بدین وسیله نظم و انتظام را در جامعه برقرار نماید.

خدایان از همان ابتدای استقرار انسان بر روی زمین و بوجود آمدن اولین قاتل، به زبان وحی و توسط پیامبران اعمالی از این قبیل را به عنوان گناهانی نابخشودنی و قابل مجازات اعلام کرده است و برای قاتل وعده جهنم می دهد زیرا که قتل عمد آنچنان مهم است که در حکم کفر شناخته شده است و کسی که مومنی را از روی عمد می کشد در واقع ایمان به خدا ندارد و گرنه چنین جنایتی را مرتکب نمی شود به خاطر همین کیفرش جاودانه در آتش ماندن است زیرا قتل سبب پایان دادن حیات مقتول در این دنیا است پس جزای آن پایان دادن فرصتهای زندگی اخروی است.

در جوامع امروزی که روابط اجتماعی بسیار پیچیده تر از گذشته اند، اشخاصی هستند که برای زیستن و ادامه حیات در جامعه خود به طرق مختلف به ارتکاب جرم روی می آورند و با اعمال شیوه های گوناگون که هر کدام در نوع خود منحصر هستند با انگیزه های خاص خود مرتکب جرم می شوند. این افراد هر کدام در قوانین جزایی جوامع مختلف صرف نظر از نوع برخورد حقوقی، عنوان خاصی دارند. بعضی مباشر، بعضی معاون و بعضی شریک یا بعضی مسبب جرم نامیده می شوند. و مباشر کسی است که خود به تنهای همه عملیات اجرایی یک جرم را انجام می دهد ولی در جوامع کنونی به علت تلاشهای زیاد برای از بین بردن این گونه مجرمان، دیگر مجرمین به تنهای دست به ارتکاب جرم نمی زنند بلکه به صورت گروهی دست به عمل مجرمانه می زنند زیرا اولاً به خاطر سهولت ارتکاب جرم و ثانیاً برای فرار از کیفر اعمال خود دور هم

جمع شده و با استفاده از وسایل و طرق مختلف دیگر ... عملی را انجام می دهند . با این کار نه تنها ضریب موفقیت خود را افزایش می دهند بلکه با تقسیم مسئولیت استناد آن را به یک نفر دچار مشکل می کنند . بنابراین انجام عمل مجرمانه به صورت گروهی را برحسب مورد شریک و یا معاون جرم می نامند .

پس گاهی شخصی به طور مستقیم در عملیات اجرایی جرم شرکت می کند با اقدام آگاهانه مرتکب جرم می شود که به آن شریک جرم می گویند و اگر در عملیات اجرایی جرم به طور غیر مستقیم همکاری کند معاون در جرم شناخته می شود و درجوامع کنونی قتل عمد ، مهمترین جرم علیه اشخاص تلقی می شود و مشارکت در آن از اهمیت بسزایی برخوردار است .

بنابراین بهترین مانع برای جلوگیری مردم از این عمل قبیح ، قصاص یا همان مجازات به مثل است اگر افراد اجتماعی قضا بدانند که هر گاه اقدام به قتل نفس کنند مجازات می شوند و در اجرای آن استثناء راه ندارد از ترس آن جرأت بر این جنایت نمی کنند و اگر غیر آن می بود افراد سنگدل احساس امنیت می کردند چنان مردم بی گناه به خطر می افتاد و همان گونه که در کشورهای که حکم قصاص لغو شد آمار قتل به سرعت بالا رفت .

پس تشریع قصاص و اجرای آن بهترین و حکمانه ترین راه برای به حداقل رساندن جرایم علیه تمامیت جسمانی آحاد جامعه است و کوتاهی در این راه از قدرت بازدارندگی قوانین کیفری می کاهد و حیات مادی جامعه را تهدید می کند .

و حمایت اشخاص و احترام خون آنها در جامعه اسلامی یک اصل است و اسلام اجازه تعدی به حیات اشخاصی را که در دارالسلام سکونت دارند نداده است .

و در یک جمله خون انسان در قانونگذاری اسلامی در درون حصاری استوار از قوانین حفظ می شود تا کسی را یارای ریختن آن بنا حق نباشد .

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی در ایران سعی براین بوده است که کلیه قوانین ناظر به امور اجتماعی و قضایی و غیر اینها بر مدار فقه اسلامی قرار گیرد از این رو قانون گذار شرکت در قتل عمد را به صورت جداگانه بیان کرده است .

شرکت در قتل در کتاب قصاص فصل سوم قانون مجازات اسلامی (۲۱۲ - ۲۱۸) چنین آورده شده است :

ماده ۲۱۲ - هر گاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکاً مرد مسلمانی را بکشند ولی دم می تواند با اذن ولی امر همه آنها را قصاص کند و در صورتی که قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها دو ثلث دیه و اگر چهار نفر باشند به هر کدام از آنها سه ربع دیه را بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر .

تبصره ی ۱ - ولی دم می تواند برخی از شرکای در قتل را با پرداخت دیه مذکور در این ماده قصاص نماید و از بقیه ی شرکاء نسبت به سهم دیه اخذ نماید

تبصره ی ۲ - در صورتی که فاعلان و مقتول همگی از کفار ذمی باشند همین حکم جاری است.
ماده ۲۱۳ - در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد.

ماده ۲۱۴ - هر گاه دو یا چند نفر جراحتی بر کسی وارد سازند که موجب قتل او شود چه در یک زمان و چه در زمانهای متفاوت چنانچه قتل مستند به جنایت همگی باشد همه ی آنها قاتل محسوب میشوند و کیفر آنها باید طبق مواد دیگر این قانون با رعایت شرایط تعیین شود.

ماده ۲۱۵ - شرکت در قتل ، زمانی تحقق پیدا میکند که کسی در اثر ضرب و جرح عده ای کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد، خواه عمل هر یک به تنهایی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت.

ماده ۲۱۶ - هر گاه کسی جراحتی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان دومی است اگر چه جراحات سابق به تنهایی موجب مرگ می گردید و اولی فقط محکوم به قصاص طرف یا دیه جراحتی است که وارد کرده مگر مواردی که در قصاص جراحات خطر مرگ باشد که در این صورت فقط محکوم به دیه می باشد.

ماده ۲۱۷ - هرگاه جراحتی که نفر اول وارد کرده مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری کاری را انجام دهد که به حیات او پایان بخشد

اولی قصاص می شود و دومی تنها دیه جنایت بر مرده را می پردازد.

ماده ۲۱۸- هرگاه ایراد جرح هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل چنانچه با یک ضربت باشد قصاص قتل کافی است و نسبت به نقص عضو قصاص یا دیه نیست.

(هر چند در هیچ یک از موارد مذکور به عمدی بودن قتل اشاره ای نشده ولی با توجه به استفاده از واژه قصاص در ماده ۲۱۲ مسلم است که نظر مقنن ، مداخله عمدی بیش از یک نفر در قتل است)^۱

۱- آقای نیا ، حسین ، جرایم علیه اشخاص (جنایات) ص ۹۱